

## گزارش « سی و ششمین » دورهمی قرآنی در مسجد سیدالشهداء صلوات الله علیه:

(از ساعت ۲۰،۴۵ تا ۲۱،۴۵ - شنبه: ۲ تیر ماه ۱۴۰۳)

« پرسش‌های » این جلسه: ۱- « بیعت » یعنی چه؟ ۲- چرا دو فعل « بیایعونک و ینکت »، « مضارع » اند؟

۳- امروز مسلمین با « چه فردی » باید بیعت کنند؟ ۴- چرا « أجر بیعت » در « آینده » داده می‌شود؟

« **إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ** » « **يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ** »

فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُوتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا (فتح/۱۰)

(آنها که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند، قدرت خدا بالای قدرت آنانست پس هر که بیعت خود را بشکند، خودش را می‌شکند و هر که بر عهده‌ی که با خدا بسته وفادار بماند، خدا پاداشی بزرگ در آینده به او می‌دهد.)

**نکته اول:** « بیعت » یعنی « خود فروشی »، خداوند در « آیه ۱۱۱ سوره توبه » مؤمنین را « خریده »:

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ) مؤمنان با « بیعت » موافقتشان را اعلام می‌کنند.

**نکته دوم:** از « مضارع » بودن « بیایعون و ینکت » معلوم می‌شود که « وجوب بیعت دائمی » است.

**نکته سوم:** با « فرمان الهی » در « غدیر خم »، هر مسلمانی با « وصی رسول الله » یا « نایب » آن

وصی (مانند: مالک اشتر، مسلم بن عقیل، عبدالعظیم حسنی، نواب اربعه و ولی فقیه هر زمان) باید « بیعت » کند.

**نکته چهارم:** به استناد قرآن و خطبه غدیریه و زیارت جامعه، « رهبر الهی » در واقع « سفیر و مباشر و

وکیل تام‌الاختیار » خداست و « ولایت مطلق » دارد لذا « بیعت » با او « بیعت با خود خدا » است.

**نکته پنجم:** « بیعت صادقانه » با « رهبر منصوب الهی » در « هر زمان و مکانی » باعث می‌شود

که « قدرت الهی » در اختیار « مؤمنین » قرار بگیرد و به « پیروزی » ظاهری یا معنوی، نائل شوند.

**نکته ششم:** « أئمة أطهار » صلوات الله علیهم، و « مالک ائسره‌های » آنها (در جنگ بدر، احزاب، خیبر، جمل،

صفین، نهروان، مسکن و کربلاء) (و در مناظرات علمی و معرفتی و در دفع فتنه‌ها و ...) « هیچ هم‌اوردی » نداشتند، و

با « محاصره دشمنان و خیانت نزدیکان » ظاهراً « مغلوب » شدند اما « راه » آنها « زنده » است.

**نکته هفتم:** « بیعت‌کننده » چون خودش را به خالقش « فروخته »، پس « هیچ اختیاری » در برابر

« حکم خدا و رهبر الهی » ندارد و باید « مطیع محض » باشد: « وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئِنَةٍ إِذَا قَضَى

اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (احزاب/۳۶)

**نکته هشتم:** « بیعت‌کننده » چون خود را به خالقش « فروخته »، پس تا وقتی « بیعت » از او برداشته

نشده (مثل شب عاشوراء) او « اجازه ندارد » بیعت و عقد و پیمان و تعهدش را « بشکند. »

**نکته نهم:** « فردی » که با « بیعت‌شکنی » با « سفیر خدا »، « دستش » را از « دست خالقش »

« جدا » می‌کند « طعمه لاشخوران » می‌شوند: ... فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ ... (حج/۳۱)

**نکته دهم:** ۱- « دنیا »، « فانی » است، ۲- انسان « جز کفنی پوسیدنی » با خود « نمی‌برد » لذا هر

« أجر ارزشمندی » را خداوند حکیم در « آخرت » به مؤمنین می‌دهد تا همیشه از آن بهره‌مند شوند.